

Siamak Pourzand, "Cinema in Iran,"
Iran Nameh, 27:1 (2012), 220-225.



فرزاد فرزند
آرمان،



فرزاد فرزند
آرمان،



فرزاد فرزند
آرمان،



گزیده سینما در ایران

سیامک پورزند
۱۳۹۰ - ۱۳۱۰
روزنامه‌نگار و نویسنده مطبوعات

شهر، خانه و خانواده در سینمای ایران



فردین فروزان طوری , آرمان

مسول یوریا فیلم

فلسدوار: شادوی



فردین فروزان طوری , آرمان

مسول یوریا فیلم

در کشوری مانند کشور ما سینما می‌تواند نقش مؤثری در پرورش افکار و بالا بردن سطح فرهنگ عمومی داشته باشد. علت این امر هم کاملاً روشن است زیرا تعداد بی‌سوادان زیاد است و کتاب هم تا کنون نتوانسته از عهده انجام وظایف خود برآید. اگر به امر سینما توجه بیشتری داشته باشیم ممکن است به این وسیله بسیاری از کارهایی را که تا کنون کتاب نتوانسته انجام دهد با موفقیت بسیار انجام دهیم، اما متأسفانه در کشور ما اکثر فیلم‌های خارجی را که وارد می‌کنند و محصولات داخلی به طور کلی، از انجام این منظور با ارزش و بزرگ ناتوان هستند و دلیل آن هم به خوبی آشکار است.

اغلب فیلم‌هایی که در ایران نمایش داده شده، فیلم‌های آمریکایی بوده و همین مسئله باعث شده است که ما در سینما معیار قضاوت خود را فیلم‌های آمریکایی قرار دهیم... البته سینمای آمریکا از بسیاری جهات دارای ارزش فراوان می‌باشد و نامش برای همیشه در تاریخ هنری ثبت گردیده است و هم اکنون نیز هنرمندان عالی‌قدری در تشکیلات سینمایی آمریکا خدمت می‌کنند که آثارشان همواره مورد تقدیر و تحسین هنرشناسان است ولی باید به این امر توجه داشت که وقتی محصولات یک کشور در رشته‌ای رو به ازدیاد گذاشت طبعاً مشکل است که این محصولات ارزش یکسانی داشته باشند؛ سینمای آمریکا با آن وسعت تشکیلات، محصولات مختلفی دارد که متأسفانه اغلب واردکنندگان فیلم‌های آمریکایی به‌خصوص تا چندی قبل، کمتر فیلم‌های باارزش و هنری آمریکایی را وارد کرده‌اند و بیشتر فیلم‌های آمریکایی که در ایران نشان داده شده از نوع فیلم‌های ماجراجویی و آرتیست‌بازی بوده است و با اینکه در دو سه ساله اخیر فیلم‌های غیر آمریکایی هم به نمایش گذاشته شد و سینمای انگلستان و ایتالیا (به خصوص به علت دوبله‌شدن فیلم‌های آنها به فارسی) در میان مردم نفوذ کردند و انحصار نمایش فیلم‌های آمریکایی تا حد زیادی از بین رفت. متأسفانه این امر با رویه واردکنندگان فیلم‌های سایر کشورها هیچگاه "به‌طور کامل" انجام نخواهد شد، مخصوصاً اینکه چون در چند ساله اخیر سطح



فردین فروزان طوری , آرمان

مسول یوریا فیلم



فردین فروزان طوری , آرمان

مسول یوریا فیلم





پوستر مشهدی عباد (صمد ضیاحی، ۱۳۳۲)

آش دهن سوزی نبوده و نیستند که ناراحتی وجود و عوارض ۴۰ درصد و یا موانع دیگر موجب تأسف شود. مسئولین استودیوها هنوز از "عدم وسایل کافی!" می‌نالند و صدی نود خرابی کار را متوجه این موضوع می‌دانند در حالی که ذکر چنین مطلبی بی‌نهایت مسخره است. در ضمن مگر اجباری وجود دارد که به قول ایشان "با نبودن وسیله" فیلم تهیه کرد؟ ولی چنانچه در یکی دو فیلم فارسی که اخیراً به نمایش گذارده شد دیدیم که این به اصطلاح فیلم‌ها با وجود نواقص کلی که در امور به اصطلاح "سناریو، کارگردانی و بازی" دارا بودند، از نظر فنی تا حدی بی‌عیب بودند و اصولاً بهترین وسایل را می‌توان به سهولت تهیه و خریداری کرد و اگر این امر برای همه مقدور نیست استفاده از تشکیلات مجهز مثلاً "استودیو سانترال" برای عموم تهیه‌کنندگان فیلم مقدور است. در ضمن اگر قرار باشد ما روزی اتومبیل بسازیم آیا به عنوان نداشتن وسیله اجازه داریم که به بهانه در اول کار بودن، از "گاری" شروع کنیم و به مردم نیز با "گردن کلفتی و ناز" بگوییم چون "محصول وطن است" لذا به عنوان "تشویق" بایستی از همین محصولات استفاده شود و اگر کسی هم اعتراضی کرد که ای بابا در حال ساختن وسیله مسافرت به کره مرخ است و حالا ما چطور "گاری" سوار شویم؟! فریاد "واهنرا" و "وامملکتنا" برداشته و از این "بیگانه‌پرستی" بنالیم. نتیجه این جریان مضحک این وضع مضحک‌تری است که دارا هستیم و آقایان تهیه‌کنندگان فیلم‌فارسی خود خوب می‌دانند که خرابی کار از کجاست ولی هنوز حاضر به رفع آن نیستند و نمی‌دانیم شاید به انجام آن قادر نمی‌باشند

ذوق و علاقه‌مندی عمومی خیلی بالا آمده و در نتیجه سری فیلم‌های تجارتهای سابق با عدم استقبال مواجه گردیده، لذا واردکنندگان فیلم‌ها به خصوص فیلم‌های آمریکایی فیلم‌های با ارزش و مورد توجه جدید را وارد کرده و می‌کنند و مشاهده می‌شود که نتیجتاً علاقه‌مندی مردم و استفاده واردکنندگان روز به روز افزوده می‌شود.

اما فیلم‌های فارسی!

از گذشته سینمای ایران و فیلم‌های سابق ایرانی خود شما بهتر از ما خبر دارید و متأسفانه وضع حال آن بدتر از گذشته است. ما به هیچ وجه انتظار نداریم که روزی ممکن است صاحبان استودیوها به خاطر "علم و دانش و هنر" از تجارت صرف‌نظر کنند و البته هیچکس از آنها چنین توقعی ندارد و بهتر همین است که آنها به فکر تجارت باشند نه علم و نه هنرپروری، اما لاقلاً تجارتهای که بر اصول صحیح استوار باشد. و ما می‌بینیم که حساب صاحبان استودیوها غلط است زیرا چنانچه مشاهده می‌شود استودیوها پشت سر هم بسته می‌شوند و محصولات آنها با لعنت و ناسزای مردم روبرو هستند و هیچکس هم نمی‌تواند ما را مجاب کند که علت این ورشکستگی عمومی به عللی مثلاً موضوع "عوارض چهل درصد" است زیرا خیلی از فیلم‌های ایرانی بیش از برقراری این عوارض ضرر کرده‌اند و البته برای تشویق از محصولات داخلی نه تنها باید این ۴۰ درصد عوارض را از میان برداشت بلکه باید تسهیلات گوناگون دیگری نیز برای فعالیت استودیوها فراهم آورد ولی آخر هیچ کدام از محصولات و "فیلم‌های!" این "استودیوها!"



پوستر امیرارسلان نامدار (اسماعیل کوشان، ۱۳۴۵)

فارسی به وسیلهٔ افرادی نامطلع که حتی ابتدایی‌ترین نکات دستور زبان فارسی را نمی‌دانند، از فیلم‌های مبتذل درجهٔ سوم آمریکایی و یا فیلم‌های مصری تقلید شده و در قسمت‌های مختلف آن به‌جا و نابه‌جا صحنه‌هایی گنجانده می‌شود که فلان رقاصهٔ کاباره با بدن نازیبایش چند شلنگ تخته بیاندازد.

عبارت و گفتار فیلم‌های ایرانی هم مثل "رادیو تهران" ساختگی و بی‌عمق و روزنامه‌ای است و جمله‌های مضحک اداری مانند "به موقع اجرا گذاشتن" و "مورد تعقیب قراردادان" و فعل‌های وضعی "من به خانه آمده ناگهان او به من حمله کرد!" در اکثر فیلم‌های ایرانی رایج است... به جز دو سه نفر کارگردان مطلع و با ذوق که کار واقعی آنها این رشته می‌باشد صداها "کارگردان!" پرمدعا و از خود راضی بی معنی داریم که شاید در تمام عمر صدبار به سینما نرفته‌اند و بدبختانه ذره‌ای ذوق و ظرافت هم در وجود ایشان یافت نمی‌شود.

شک نیست که صدی نود بدبختی فیلم‌های فارسی از تصدیق وجود همین "عالی جنابان" می‌باشد که چون بدبختانه یا خود از تهیه‌کنندگان و یا از قوم و خویش‌ها و یا به علی (!!) مورد علاقهٔ تهیه‌کنندگان می‌باشند لذا متأسفانه این "رشتهٔ لعنتی وجود آنها" به گردن سینمای ملی ما درافتاده و آن را تا به کجا بکشد معلوم نیست؟! و خدا عاقبت آن را به خیر کند.

در مورد هنرپیشگان هم که خودتان بیشتر واقف هستید و به جز چند نفر هنرپیشگان معدود فهمیده و با استعدادی که داریم هر روز با تهیهٔ آثار درخشانی

و گمان می‌رود که ایشان هنوز در این تصور هستند که مردم "متوجه نیستند" و "نمی‌فهمند" و یا اینکه هنوز به عنوان "علاقه‌مندی بهتر داخلی" برای تماشای "فیلم‌های" فارسی حاضر به اتلاف پول و وقت خود هستند و اگر چنین است بایستی به آنها هشدار دهیم که اشتباه می‌کنند و توجه داشته باشند که امروز حتی فیلم‌های سینماسکوپ تمام رنگی و با شرکت هنرپیشگان معروف خارجی اگر بی‌عمق باشند با شکست مواجه می‌شوند و ضمناً آنقدر از علاقهٔ مردم بهتر داخلی سوءاستفاده شده که به روی این مسایل به هیچ وجه نبایستی "حساب" کرد و اگر کارکرد چند فیلم را مانند امیرارسلان و...، مهملاقی نظیر آن را ارائه می‌دهند باید به ایشان جواب داده شود همان‌ها که با فیلم امیرارسلان رو شدند؛ یکسال بعد به یوسف و زلیخا خندیدند.

یک دنیا امید و آرزوهای شما را با بی‌اعتنایی خود به باد دادند و همین‌طور در مورد سایر فیلم‌ها نیز این مطلب صدق می‌کند و امروز دیگر حتی فکر سوءاستفاده از کمپلکس‌های جنسی مردم و گنجاندن صحنه‌های شهوت‌انگیز به وسیلهٔ رقص‌های لخت رقاصه‌ها مورد تمسخر و تفرغ مردم است و بایستی به فکر چارهٔ اصلی بود. اما بی‌فایده نیست که برای توجه خاطر تهیه‌کنندگان محترم فیلم‌های فارسی نکات بدبختی و سبه‌روزی فیلم‌های ایرانی را یادآور شویم... در صورتی که شاید هیچ کشوری به اندازهٔ کشور ما داستان و مطالب و موضوع‌های بکر و ناگفته نداشته باشد و با اینکه ما از گذشتهٔ

خود هزاران داستان با ارزش داریم، تاکنون میان همهٔ فیلم‌های فارسی حتی یک سناریوی قابل توجه هم وجود نداشته است و کلیهٔ داستان‌های فیلم‌های

سینما در ایران

دادند و نسل‌های وحشی و من‌خا
آمده لاکچران اوین حله کرده
دراکت‌ریلم‌های ایرانی راجع است
... پسر دوسه نفر کارگردان -
مطلع و با ذوق که کارواقی آنها
این رفته می باشد صدها کار -
گردان» برمدعا و از خود راضی
بی‌مشن داریم که شاید در تمام
صدبار سینما نرفته و به‌مخاطبه
ذره‌ای ذوق و ظرافت هم در وجود
ایشان باقی نماند...

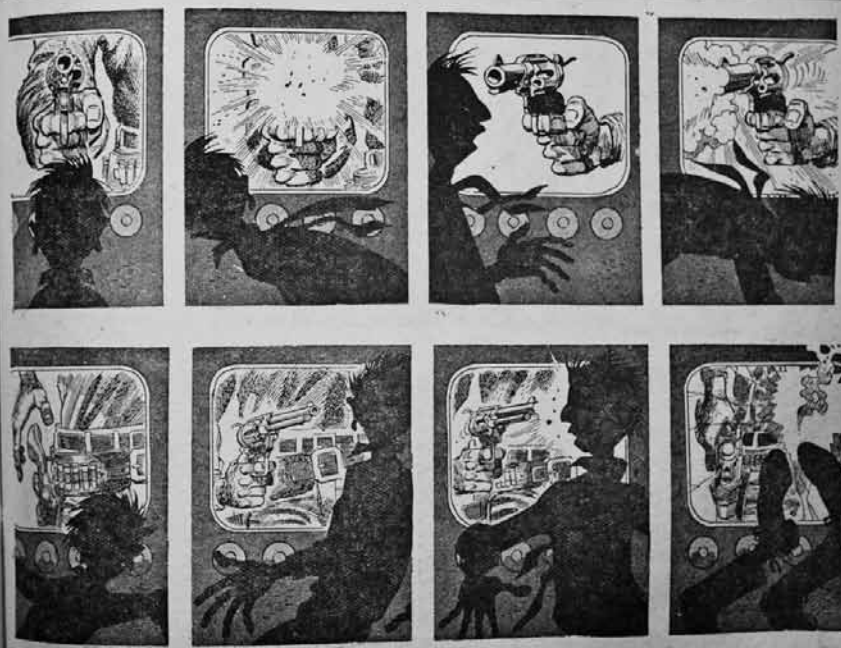
شک نیست که صدی نودیم -
بخش فیلم‌های فارسی از تسمین
وجود همین «عالی جناب» می باشد
که چون به‌بختانه اهل - یا خود از
تپه کنندگان و با اقوم و خوش
ها و یا خیلی (۱) مورد علاقه تپه
کنندگان می باشند اما مسافه این
درشته لغتی وجود آنها بگردن
سینمای ملی ما در افقاده و آنرا تا
یکجا کشد معلوم نیست؟ و غدا
هفت آ را بخر کنه.

در مورد هنر پیشگان هم که
غودتان بهتر واقف هستید و بی‌جز
چند نفر هنر پیشگان معدود نسیده
و با استعدادی که داریم هر روز با
تپه آثار دوشانی نظیر «مشهدی
عباد» و «یوسف وزلیعاج مرتیا
برتمده» و هنر پیشگان و ستارگان
کتورما افزوده می شود و فلان -
مادمو اول و با فلان آقا بسزای گولو
یا دعوت آقای کارگردان و با تپه
کننده یک مجلس میمانی و با
و بطلی مصلحه... به‌دقیقه «درلی»
بدست آورده و در اثر هنر تانی
های درخشان» برای «جناب اولو
بر بیجا و با بیچاره کنده» چارلی
چاپلین» رقب غطر تاکی می‌شوند
در مساحه با چند جناب مصاحبه
چرا راجع باستعدادی ذاتی خویش
وی توجی و خرابی محیط و این
که در ایامی دل محوله خود با همه

«و کوچکی» آن چند در ملاحظه
«سوقیا لورن» و با «مونتگمری»
کلیت را کرده اند.
ساعتها داد سخن داده و از
راه لطف و احسان «نمال بیستالی»
از «جود شریف» را هم برای
«علاقتهان» «عنابت» بفرمایند.
از «فلسرداران» و «مطلمن قن»
هم سخن گفته نشود به‌شراست زیرا
کشته از چند نفر معدود که و انما
ذوق و مطالعه در امو رفتی دادا
هسته و بدبختانه کمتر از وجود آنها
استفاده می شود هر کس از دور بین
قرانه فلان «مکاشفانه و فتو»
و با الیتمده و ایچانسا چند سال
کارگری در چند دکان را در بو وضط
مدا فروشی غنچه شده باستودبو -
های لیل برداری سر اچمه و «سه
وسائل مقدسی» دست و بال خود
را در یکی از این «موسسات» بند

کرده است و امروز کارهای او
آنها بجای رسیده که از کارهای
شاهکارهای سینمای هم «ایران»
گرفته و هر یک وسیله خاصی است
تتبع فرموده اند... و بالاخره جمع
حوامل سینما و فیلم فارسی را این
نکته دچار کرده و آخر الامر نیز
آنها نابود خواهند ساخت استنی
بایستی یاد آور شد که مسأله هر
اصیل و وانی از بین نخواهد رفت
و بنا به تجربیات متعدد تاریخی هنر
حقیقی هیچگاه خاموش نمی‌گردد
و بدون شک در آینده نزدیک
سینمای با ارزش هنری کشور ما
با معاهد و استیگان با شخصیت
و هنرمند آن برای تجارت بینل
و «وقلم بازی» است. مطمئن موه
استفاده خود بیروز خواهد نمود و این
موفقیت این بیروزی و جهانی آن
توجه فیهما و علاقه روز افزون
مردم هنر واقعی و خالی شدن چشم
تجارت هنر است.

مردی



اگر ناباتات تلوزیون بصورت سه بعدی در آید

مقاله سینما در ایران، نوشته سیامک پورزند در مجله ستاره سینما، سال ۴، شماره ۱۰۵ (نوروز ۱۳۳۶)، ۱۴ و ۶۰.

نظیر مشهدی عباد و یا یوسف و زلیخا مرتباً بر تعداد "هنرپیشگان و ستارگان!" کشور ما افزوده می‌شود و فلان مادموازل و یا فلان آقا پسر ژینگولو با دعوت آقای کارگردان و یا تهیه‌کننده به یک مجلس مهمانی و یا "به عللی مخفیه!!" در فیلم‌ها "رلی" به دست آورده و در اثر "هنرنمایی‌های درخشان!" برای "جینالولو بریجیدا" و یا بیچاره‌کننده "چارلی چاپلین" رقیب خطرناکی می‌شوند و در مصاحبه با چند "جناب مصاحبه‌چی!" راجع به استعداد ذاتی خویش و بی‌توجهی و خرابی محیط و اینکه در ایفای رل محوله خود با همه "کوچکی!" آن چقدر ملاحظه "سوفیا لورن" و یا "موننگمری کلیفت" را کرده‌اند... ساعت‌ها داد سخن داده و از راه لطف و احسان "تمثال بی‌مثالی" از "وجود شریف" را هم برای "علاقه‌مندان!!" عنایت می‌فرمایند.

از فیلم‌برداران و مطلعین فنی هم سخنی گفته نشود بهتر است زیرا گذشته از چند نفر محدود که واقعا ذوق و مطالعه در امور فنی را دارا هستند و بدبختانه کمتر از وجود آنها استفاده می‌شود؛ هر کس از دوربین قراضه فلان "عکاسخانه و فتو" و یا از چند ماه و احياناً چند سال کارگری در چند دکان رادیو و ضبط‌صدا فروشی خسته شده به استودیوهای فیلم‌برداری مراجعه و "به وسایل مقتضی" دست و بال خود را در یکی از این "مؤسسات" بند کرده است و امروز کار بعضی از آنها به جایی رسیده که از کار فنی شاهکارهای سینمایی هم "ایراد" گرفته و هر یک "سبک خاصی!" را تتبع فرموده‌اند... و بالاخره جمع عوامل سینما و فیلم‌فارسی را به این نکبت دچار کرده و آخر الامر نیز آن را نابود خواهند ساخت؛ منتهی بایستی یادآور شد که مسلماً هنر اصیل و واقعی از بین نخواهد رفت و بنا به تجربیات متعدد تاریخی، هنر حقیقی هیچگاه خاموش نمی‌گردد و بدون شک در آینده نزدیک "سینمای با ارزش هنری کشور ما با مجاهد و ابستگان باشخصیت و هنرمند آن بر این تجارت مبتدل و "فیلم‌بازی!" نامطلوعین سوءاستفاده‌جو، پیروز خواهد شد و ضامن موفقیت این پیروزی و بقای آن، توجه فهیمانه و علاقه روزافزون مردم بهتر واقعی و خالی شدن "چنته" تجار هنر است.

